

محتشمی مشاوران رئیس جمهور هم توانستند با دانشجویان سخن بگویند، اما در این میان دکتر معین، وزیر علوم، خود را صمیمانه تر از دیگران نشان داد. وزارت علوم همان روز جمعه اعلامیه ای صادر کرد و حمله به دانشگاه را حاصل توطئه ای از پیش طراحی شده تلقی کرد: «نمی توان به سادگی پذیرفت که

اعضای شناخته شده جناح راست است، دانشجویان حتا به میان خود راه ندادند و این دستمایه خیرنگاری شد که در طول راه - هنگام بازگشت - از او بپرسد نماینده ای را که ظاهراً با رای مردم انتخاب شده، چگونه است که دانشجویان به میان خود نمی پذیرند؟ قاطعه کروی بی هم صبح جمعه به کوی رفته بود و پس

ریشه این ماجرا را در بیاورم و لذا جا خالی نمی کنم برای کسانی که خیال می کنند ما ترسیده ایم یا می خواهیم از مسئولیت شانه خالی کنیم. بنده هستم و تمام گروه های فشار که به دانشجویان حمله کردند باید محاکمه علنی بشوند. فرماندهان باید توضیح بدهند که به چه دلیل این نیروها را به کوی اعزام کرده و این ضرب و شتم

حضور خاتمی در دانشگاه شدند اما خاتمی تا به آخر خود را از جریان برکنار نگه داشت و هیچ گاه خود در دانشگاه حضور نیافت. لایه مصلحت چنین اقتضا می کرد. روز بعد، دفتر تحکیم وحدت که با سازمان یافتگی و میانه روی، رهبری جنبش دانشجویی را به دست گرفته بود در اعلامیه ای حوادث ۱۸ تیر کوی را با ۱۶ آذر ۳۲ مقایسه کرد: «عاملان دین فروش این فاجعه، سال هاست که به نام دین و اسلام و ولایت پنجه بر رخسار آزادی می کشند و مسئولان امر جز سکوت و تماشا هیچ رسالتی احسان نمی کنند».

اما مسئولان این بار سکوت نکرده بودند. همان روز جمعه وزیر علوم در اعتراض به فجایع به بار آمده استعفا کرد و خطاب به خاتمی نوشت «از آن جا که علیرغم تلاش های فراوان از نیمه شب گذشته برای کنترل و مهار این اقدام ها، هیچ ثمری بر آن مشرب ندیدم، لذا به دلیل پاسخگو نبودن در برابر وظایف الهی، مسئولیت های قانونی و مظلومیت و بی پناهی فرزندان ملت و... استعفای خود را تقدیم می دارم». استعفا به وزیر علوم محدود نشد. هیات رئیسه دانشگاه تهران و روسای همه دانشگاه های تهران - البته به استثنای آقای جاسمی، رئیس دانشگاه آزاد که چندی پیش خود در مقابل دانشجویان قرار گرفته بود - و هیات نمایندگی رهبر انقلاب در دانشگاه تهدید به استعفا کردند. تاج زاده نیز به دانشجویان گفت که «یا ما ریشه این فتنه را در می آوریم، یا استعفا می کنیم» و ده روز بعد در برابر سوال خبرنگاری گفت «الان هم عرض می کنم اگر من نتوانم ریشه این فتنه را در بیاورم، حتماً استعفا می دهم. این جنایت توسط هر کس انجام شده باشد، باید پاسخگو باشد، من ایستاده ام تا



موسوی لاری وزیر کشور، فرهادی وزیر بهداشت و درمان و معین وزیر فرهنگ و آموزش عالی برای گفتگو با دانشجویان به کوی می روند

این حادثه، بخشی از یک برنامه حساب شده با انگیزه به آشوب کشاندن کشور توسط برخی نیروهای خودسر محفلی نبوده است». اشاره وزارت علوم به نیروهایی بود که چند ماه پیش به قتل های زنجیره ای دست یازیده اند که هنوز هم حقایق مربوط به آن برای مردم افشا نشده است.

در اعلامیه وزارت علوم نکات برجسته دیگری نیز به چشم می خورد. آن اعلامیه نیروهای انتظامی را متهم می کرد که عمداً کار را به فاجعه کشانده اند: «در

از حدود سه ساعت بازدید، از دانشجویان خواسته بود که آزمایش خود را حفظ کنند و به داخل کوی بازگردند اما کسی حرف او را نپذیرفته بود. کورش فولادی نماینده مردم خرم آباد را دانشجویان کم و بیش تحویل گرفته بودند و او برای آنان سخن گفته بود. فاتحه هاشمی چند بار به کوی رفته بود تا با دانشجویان سخن بگوید اما به زحمت موفق شد. اما نمایندگان شورای شهر که روزهای بعد به کوی سرزدند رویهمرفته مورد توجه دانشجویان قرار داشتند. هادی خامنه ای و

وسیع و گسترده اتفاق افتاده، چه دستی در تلاش بوده، بحران برای کشور بسازد. من الان هم اعلام می کنم اگر این حادثه بخواد ریشه یابی نشود و تا ته قضیه نرود، من استعفا می دهم». به غیر از تاج زاده، علی زبیری از معاونان اولیه وزارت اطلاعات و مدیر مسئول روزنامه کار و کارگر نیز در جفع دانشجویان به آرام کردن آنان مشغول بود.

علاوه بر پاره ای از مقامات مسئول، برخی نمایندگان هم از همان صبح جمعه خود را به کوی رسانده بودند. غفوری فرد را که از



بالا سمت راست:
دانشجویان متحصن در جلوی گوی
دانشگاه تهران
بالا سمت چپ:
یک دانشجوی مجروح را روی دست
می‌برند
وسط سمت چپ:
دوشنبه ۲۱ تیر - دانشگاه تهران،
دختری صورتش را با مقنعه‌اش
پوشانده و شعار «مرگ بر قاتل» را
بلند کرده است
پایین سمت چپ:
روز شنبه ۱۹ تیر دانشجویان مقابل سردر
دانشگاه روزنامه‌هایی را که حوادث
دانشگاه را تیر اول کرده‌اند، نشان
می‌دهند

آخرین ساعات پنجشنبه شب، تظاهرات دانشجویان در مقابل کوئ، در حالی که با مدیریت مسئولان دانشگاهی رو به انسام بود، با مداخله خشونت آمیز نیروهای انتظامی به حادثه‌ای تلخ و تاسف بار تبدیل شد که در نوع خود بی نظیر است». این مضمون بعدها به وسیله سلیمانی معاون دانشجویی دانشگاه تهران نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی بازگفته شد. معاون دانشجویی گفت: حرکات دانشجویان صددرد صدم طبیعی و بنا به رویه گذشته قابل حل بود اما نیروهای انتظامی مانع شدند.

از بامداد شنبه تا پایان روز دوشنبه، دانشجویان دانشگاه را در نسیم خود داشتند. نیروهای انتظامی به دستگیری گروه‌های فشار چنان فحاشی به بار آورده بودند که به آنها دستور داده شده بود دانشجویان را به حال خود بگذارند و از ۱۰۰۰ متر به آنها نزدیک‌تر نشوند. شبیه همچنین نخستین روزی بود که دانشجویان می‌توانستند درد خود را با مردم در میان بگذارند. روزنامه‌ها منتشر شده و وقایع را به گوش مردم رسانده بودند. پیش از آن خبرها کم و بیش از رادیوهای بیگانه، و نه رادیو و تلویزیون ایران رسیده بود.

شبیه همچنین روز عزای دانشگاه بود. تصور می‌شد تعداد زیادی کشته شده‌اند، بنابراین دفتر تحکیم وحدت اعلام کرده بود دانشجویان در جلسه امتحان حاضر نشوند و در دانشگاه تهران اجتماع کنند. یک هفته عزای عمومی اعلام شد و دانشجویان در سردر دانشگاه جمع شدند و اندک‌اندک مردم به آنها پیوستند. جمعیت هر دم افزون شد و تحصن کنندگان در داخل دانشگاه گرد آمدند و تریبون آزاد تشکیل دادند. تظاهرات و تحصن با ساعت سه بعد از ظهر ادامه یافت

و در آن موقع اعلام کردند که سه ساعت به شورای امنیت ملی فرصت می‌دهند تا خواست‌های آنان را برآورده سازد. تحصن موقتاً تعطیل شد. دانشجویان خسته از دو سه شبانه‌روز بیداری و کم‌خوابی به سمت کوئ رفتند. برخی با وسایل نقلیه و برخی با پای پیاده. آنان که پیاده حرکت کرده بودند، رفتن دسته‌جمعی‌شان شکل تظاهرات گرفت و چون به خیابان فاطمی

رسیدند به سمت وزارت کشور پیچیدند. در اینجا دانشجویان دانشگاه آزاد به آنها پیوستند. چنان که در طول روز دانشجویان دانشگاه‌های دیگر پیوسته بودند. در طول مسیر، دانشجویان شعارهای تند علیه برخی مسئولان سر دادند و روزنامه‌های کیهان و رسالت را همدست عاملان فاجعه معرفی کردند. گه‌گاه نیز با شعار خاتمی - واکنش، واکنش خواستار

عکس‌العمل رئیس‌جمهوری در برابر حوادث دو روز گذشته شدند.

خانمی البته واکنشی نشان نداد و مورد انتقاد روشنفکران نیز واقع شد، اما شورای امنیت ملی - که خانمی ریاست آن را بر عهده دارد - اعلامیه داد. اعلامیه‌ای که در آن بر آوردن درخواست‌های دانشجویی وعده داده شده بود و مهم آن که به تأیید رهبر انقلاب نیز رسیده بود.





سمت چپ بالا
موسوی لاری وزیر کشور در کوی دانشگاه

سمت چپ وسط
وزارت کشور - تاج زاده معاون وزیر کشور
در حال سخنرانی برای دانشجویان

سمت چپ پایین
دبیهی عضو کمیته تحقیق در کوی
دانشگاه حضور یافت و دانشجویان را به
آرامش دعوت کرد



شکستن حریم دانشگاه و نادیده گرفتن کرامت دانشجویان محکوم و از این بابت ابراز تأسف شده بود.

یکشنبه روز دیگری شد. جنبش دانشجویی به مثابه حرکتی پیشاپیش جنبش مردمی اوج می گرفت. دولت و نظام از یک سو از طریق مصاحبه در رادیو و تلویزیون سعی در فرو نشاندن آتشی داشتند که بخشی از نیروهای خود را فروخته بودند و از سوی دیگر دانشجویان سراسر کشور به کمک جنبش دانشجویی می آمدند.

بعد از ظهر یکشنبه کوی دانشگاه تهران بیش از همیشه ملتهب بود. در خیابان کارگر، گروهی از دانشجویان با تکه پارچه ای صورت خود را پوشانده بودند تا در عکس ها شناخته نشوند. نیروی انتظامی و شبه نظامیان حضور نداشتند اما، صحنه از نیروهای امنیتی خالی نبود. مردم پیاده روها را پر کرده بودند و در داخل خیابان نیز عبور

باید شناسایی و به محاکم قضایی تحویل شوند.

اعلامیه های صادر شده از جانب دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی بسیار زیاد بود که بخش کوچکی از آن در صفحه بازتاب منعکس شده است اما جا دارد از بیانیه شورای نمایندگان مقام معظم رهبری نیز یاد شود که در آن



خدای ناخواسته قضیه شهادت دانشجویان درست باشد مطالب و مسائل دیگری هست که اگر خداوند توفیق داد به عرض ملت بزرگ ایران خواهیم رساند.

در اعلامیه آیت الله موسوی اردبیلی نیز آمده بود که تا دیر نشده است طراحان و مجریان حادثه هجوم به خوابگاه دانشگاه

دبیرخانه شورای امنیت ملی نخست با دانشجویان همدردی کرده و سپس گفته بود که گروه ویژه ای را برای تحقیق دقیق ماجرأ تعیین کرده و مقام دستور دهنده نیروی انتظامی را عزل کرده است. مقصود سرتیپ احمدی بود که روزنامه ها نام او را نوشتند

اعلامیه شورای امنیت ملی همچنین اعلام می داشت که کلیه بازداشت شدگان آزاد شده اند و دبیرخانه شورای امنیت ملی، گروهی را برای پیگیری رسیدگی به مجروحان حادثه تعیین کرده و ترتیب مداوای فوری آنان را داده است.

شورای امنیت ملی سپس از دانشجویان خواسته بود که آرامش خود را حفظ کنند تا این شورا بتواند حادثه تأسف بار را به طور قانونمند پی گیری کند.

گذشته از اعلامیه شورای امنیت ملی اعلامیه آیت الله صانعی و آیت الله اردبیلی نیز که با دانشجویان همدردی و حادثه

تاج زاده در میان دانشجویان



دانشگاه را محکوم کرده بودند قوت قلبی برای دانشجویان شد. آیت الله صانعی در اعلامیه خود گفته بود که گفته می شود چند نفر از دانشجویان عزیز به شهادت رسیده اند. خدا کند درست نباشد و آقا همه ما در مقابل خون یک انسان عادی چه رسد به چند دانشجو و متعلم علی سبیل النجاة مسئولیم و باید پاسخگوی ملت شریف و خانواده های داغدارشان باشیم. نیز ناکید شده بود که اگر



پلیس ضد شورش آماده مقابله

و مرور اتومبیل‌ها قطع شده بود. برخی از دانشجویان با صورت‌های بسته بالای بام کوی یا در ساختمان‌های مقابل کشیک می‌دادند.

گروهی از دانشجویان دانشگاه‌های علم و صنعت و امیرکبیر و آزاد که برای اعلام حمایت آمده بودند در مقابل در اصلی کوی شعارهایی را بر دایر بر محکومیت نیروی انتظامی سر می‌دادند و دانشجویان را به ترک کوی و راه پیمایی دعوت می‌کردند. در برابر شعارهایی که دانشجویان را به ترک کوی دعوت می‌کرد، دانشجویی از میان متحصنین، پشت میکروفن قرار

گرفت و از بقیه خواست تا به داخل کوی بروند. این دعوت با عکس‌العمل منفی دانشجویان روبه‌رو شد. آنان با سر دادن شعار «چوب و چماق و چاقو دیگر اثر ندارد» به مادرم بگویند دیگر پسر ندارد». بار دیگر خواستار راه پیمایی بودند. اما سرانجام منطق دانشجویان داخل کوی چربید.

پیش از آن که تریبون آزاد تشکیل شود عبدالله نوری رئیس شورای شهر در جمع دانشجویان سخن گفت. او از دوم خرداد یاد کرد و جنبشی که به نحوی مسالمت‌آمیز برای کسب آزادی حرکت کرده است. به حمله

گروه‌های غیرقانونی اعتراض کرد و گفت وقتی خشونت طلبان صد درصد آزاد هستند، پیش آمدن چنین حوادثی عجیب نیست. یک مشت هرج و مرج طلب آزادند، یک مشت افسراد ناشناخته، ناشناس و با شناخته شده‌ای که قرار نیست معرفی شوند آزادند و آنگاه عده‌ای طرح می‌کنند که آزادی بایسد در چارچوب ارزش‌های اسلامی باشد. ای کسانی که مطرح می‌کنید آزادی بایسد در چارچوب ارزش‌های اسلامی باشد آیا این آزادی که آمدند دانشگاه را به این صورت در آوردند در چارچوب ارزش‌های اسلامی است؟»

«بسیاری آقایان که مدافع ارزش‌ها هستند، به طیف مقابل خود هر روز انگ می‌چسبانند. یک روز لیبرال، یک روز منافق، یک روز سکولار، یک روز چه ... پس آنها که این نوع کارها را دنبال می‌کنند - اشاره به حوادث دانشگاه - چی اند به کجا و کی وابسته‌اند؟ کی باید با آنها برخورد شود؟ بناسد تا کجا مصالح نظام و انقلاب بابت آزادی این افراد لطمه ببیند؟ آیا با این افراد رودرباشی هست؟ مشکلی هست؟! قرار و مدار پشت پرده‌ای هست؟ قضیه چیست؟ چطور است که اگر روزنامه‌ای مثل سلام از آدمی که خودتان می‌گویید با

امنیت عکاسان

«دوربین عکاسان مطبوعات چشم بینای ملت در عرصه‌هایی است که امکان حضور آزاد مردم در آنها وجود ندارد. در جریان حمله به کوی دانشگاه و ناآرامی‌های پس از آن، عکاسان مطبوعات تلاش بی‌وقفه‌ای برای انعکاس تصاویر و واقعیت‌های حوادث به خرج دادند.»

هیأت موسس انجمن صنفی عکاسان مطبوعات با انتشار بیانیه‌ای ضمن ارج نهادن به تلاش بی‌وقفه عکاسان مطبوعات در تأمین پوشش خبری رویدادهای نیمه دوم تیر ماه، صدمه و خسارت‌هایی را هم که بر آنها وارد آمده، مورد توجه قرار داده است. براساس اطلاعاتی که به این هیأت رسیده، رسول کاظم نژاد عکاس روزنامه کیهان از ناحیه پا مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شماری از عکاسان سایر روزنامه‌ها، به ویژه روزنامه‌های کثیرالانتشار، از جمله بهروز محمدی، جواد منتظری، پیمان هوشمندزاده، حسن سربختیان، قهراد سلیمانی، ناصر صحت، نبوشا توکلیان و چند تن دیگر نه تنها مورد ضرب و شتم قرار گرفتند، بلکه با آسیب‌هایی که به تجهیزات و لوازم کارشان وارد شده، متحمل خسارت‌هایی هم شده‌اند و حتی بارها قیلم‌هاشان ضبط و توقیف شده است.

هیأت موسس انجمن عکاسان در بیانیه خود خواستار آن شده که با توجه به مأموریت خطیر خبرنگاران عکاس، بر ضرورت تأمین امنیت آنان بیش از پیش تأکید شود و نیروی انتظامی حلقه امنیتی خبرنگاران عکاس را، فارغ از آن که به کدام تشریه و یا مطبوعه وابسته‌اند، فراهم آورد.



محافل بیگانه در ارتباط بوده، مطلبی چاپ کند برخلاف نظام و مصالح آن عمل کرده، یا اگر دانشجویی خواست اعتراض کند، واکنش این است. این که اکثر نظام است؟ این که اکثر روزنامه های جهان صفحه اول شان را به حوادث کوی دانشگاه تهران اختصاص دهند، مصلحت نظام است؟ کی می خواهد برخورد شود؟ تا کی بنامت ما باز این خشونت را برای این نظام مظلوم تحمیل کنیم؟ چه کسی باید به فریاد برسد؟ من همین جا عرض می کنم خدمت مسئولان کشور که مردم تشخیص دارند، مگر قبل از دوم خرداد ما روزنامه داشتیم؟ همین یک روزنامه سلام بود. به فرض این که این چند روزنامه هم بسته شد آیا مردم قلب و فهم و شورشان را می گذارند در اختیار شما؟

مردم گروه گروه برای دیدار از خرابی های دانشگاه وارد کوی می شدند. در داخل کوی متحصنین، تربیون آزاد گذاشتند. هر کس از دانشجویان که حرفی داشت پشت تربیون می رفت. دانشجویان دانشگاه های دیگر حمایت خود را اعلام می کردند و خبرهای مربوط به دانشگاه خود را می دادند. یک دختر دانشجویی نمایندگی از سوی دانشجویان دانشگاه آزاد با اشاره به ماجرای دانشگاه آزاد - در روزهای ۳۱ اردیبهشت تا دوم خرداد - گفت یک ماه از مهلت پاسخگویی مسئولان دانشگاه سپری شده ولی هنوز خبری از پاسخ آنها نیست. وی دانشجویان متحصن را به راه پیمایی خواند تا به گفته او مردم از آنچه در کوی گذشته، آگاه شوند. دانشجویان تکبیر گفتند و نایب کردند اما دانشجوی دیگری پشت میکروفن رفت و دانشجویان را به ماندن در کوی دعوت کرد. او گفت که برای رسیدن به خواست ها به آمار و اطلاعات دقیق نیاز هست و با هیجان کاری

از پیش نخواهد رفت. دانشجویان آرام نگرفتند. تاکید او بر ادامه حرکت اعتراض آمیز تا رسیدن به همه خواست ها نیز نتوانست دانشجویان را آرام کند و گروهی همچنان فریاد می کشیدند: تظاهرات، تظاهرات. مهم ترین شعارهای آن روز که در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شده به نیروی انتظامی و مجلس برمی گشت: گرفتن اندیشه - با توپ و تانک نمی شه، عاملان جنایت تا خودکشی نکرده، اعدام باید گردد. ناطق نوری نمی خوایم - مجلس زوری نمی خوایم، مجلس بی کفایت، انحلال انحلال. اما شعارهای روز بعد چنان که همان روزنامه یاد کرده به آقای یزدی رئیس قوه قضاییه هم رسید: مرگ بر یزدی، مرگ بر استبداد اسلام طالبانی نابود باید گردد، فرمانده آذمکش اعدام باید گردد و ...

بازی، در این هنگام یکی از دانشجویان راه دیگری جست و گفت برای ادای احترام به شهیدان کوی یک دقیقه سکوت کنند. آنگاه یکی از دانشجویان جمعیت را به شنیدن نتیجه ملاقات با مقام رهبری دعوت کرد. دکتر معین، دکتر فرهادی و باقریان - معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان امور اداری و استخدامی - به ملاقات رهبر رفته بودند. گفته شد این گروه در ملاقات با مقام رهبری حوادث کوی را کاملاً شرح داده اند و همه شعارها را بدون تعارف با او در میان گذاشته اند، و ایشان با اشاره به حادثه آفرینان گفته اند «اینها از من نیستند».

فریاد راه پیمایی - راه پیمایی بار دیگر از سر گرفته شد. عده ای در حمایت از تظاهرات گفتند می خواهند ما را در اینجا حبس کنند تا نیروهای انتظامی و گروه های فشار وارد کار شوند، و چون راه فراری نیست همه را لت و پار کنند. اعضای دفتر تحکیم وحدت که گردانندگان جلسه بودند، نتوانستند در مقابل

میل جمعیت به بیرون زدن از کوی مقاومت کنند. ناچار گفتند تا ساعت سه بعد از ظهر می مانیم، اگر پاسخ مناسب داده نشد، خارج می شویم.

صدا یا اعتراض گروه بالا گرفت در نتیجه مهلت انتظار به دو بعد از ظهر تقلیل یافت و راهپیمایی به بعد از برگزاری نماز ظهر و عصر موقوف گردید.

اعتراض پیمایی برخی از دانشجویان، یکی از دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت را وای دارد تا جمعیت را به اعلام پایان تحصن تهدید کند. و می گوید در صورت ادامه این وضعیت دفتر تحکیم خود را کنار خواهد کشید. وی آنگاه از خطری که در کمین دانشجویان قرار دارد سخن می گوید و بیرون رفتن از کوی را یک دام تلقی می کند و قول می دهد حرکت اعتراضی را ادامه خواهند داد البته نه با ریختن به خیابان ها، این دانشجوی می گوید: می خواهند در شهر آشوب کنند - پمپ بنزین آتش بزنند - به بانک ها حمله کنند. آیا راضی می شوید این فجایع به نام دانشجوی تمام شود. ما همین جا می مانیم و از همین راه به خواسته های خود می رسم.

این سخن چنان آرامش کوتاه مدتی برقرار می سازد. و بار دیگر فریاد تظاهرات - تظاهرات از میان جمعیت اوج می گیرد و در پی آن شعارهای تندی از گوشه و کنار بلند می شود.

در میان شعارهای مختلف این خبر از بلندگو پخش می گردد که دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی روز دوشنبه با لباس سفید در بیمارستان شریعتی دست به تحصن خواهند زد. و پس از آن متن استعفای دکتر ظفرقندی رئیس دانشگاه علوم پزشکی خطاب به وزیر بهداشت و درمان را می خوانند. سپس خبر تحصن استادان دانشگاه تهران در مسجد دانشگاه در روز دوشنبه (فردا) به

اطلاع می رسد و جمعیت یکصدا یا شعار استاد انقلابی تشکر - تشکر به حمایت از این اقدام می پردازند.

در چنین فضایی اعلام می شود که مهندس عزت الله سحابی برای سخنرانی در جمع دانشجویان به کوی آمده است. در همان زمان در گوشه دیگر شهر، در میدان ولی عصر، عده ای از دانشجویان به تظاهرات مشغول بودند. این تظاهرات که در آن شعارهای تند داده شد، نقطه آغاز درگیری های درون شهری و شورش روزهای بعد بود.

عصر به های ساعت سه بعد از ظهر را نشان می دهد. هیجان و گرمای هوا جمعیت جوان را بی تاب کرده است. جمعیت بیرون کوی از آمدن فائزه هاشمی سخن می گوید. وی به همراه چند تن از همراهان زن در حالی که به شدت از سوی مأموران انتظامات دانشجویی حفاظت می شود از چند خیابان پایین تر از در اصلی کوی به محل تجمع نزدیک می شود. مرد میان سالی فریاد می زند بوی سارشی می آید، او را راه ندهید. فائزه می گوید تنها برای بودن در میان دانشجویان و ابراز همدردی با آنان به کوی آمده است.

جمعیت بار دیگر به چند گروه تقسیم شده است. عده ای موافق، گروهی به شدت مخالف، عده ای بی تفاوت و برخی نیز بر این باور که هر کس باید حشمت را بزند، در میان همه ها و شعارها فائزه هم از در کوی گذشت و به جمع پیوست.

در تمام مدتی که دانشجویان در این محل تجمع کرده اند، مردم با آوردن آب و یخ و نوشابه، بیسکویت، نان و کیک، گرسنگی و تشنگی آنان را چاره می کنند. در زیر آفتاب نیمروزی ساطع یک بستنی فروش که گروهی با تردید او را زیر نظر دارند و برخی با اشاره او را به عنوان مأمور برانداز می کنند، به کار خود مشغول است



و بستنی می فروشد.
عقربه ساعت به چهار نزدیک
می شود، جمعیت حاضر نیست در
کوی یساند. برخی راهپیمایی به

۲۱ تیر - میدان ولیعصر
یک خودروی سوخته نیروی انتظامی



یکی از دستگیر شدگان روز ۲۱ تیر در میدان ولیعصر

چارچوب منطقی و قانونمند
بشوانیم مسائل را حل کنیم. این
مساله فقط یک مساله دانشگاهی و
آموزش عالی نیست، مساله ملی
ماست. به همین جهت به کمک
هم باید یک راه حل منطقی و
قانونمند پیدا کنیم.»

معین به دانشجویان گفت
نمی توان در یک جمع هزار نفری
دنبال راه حل منطقی و قانونمند
بود. باید در جمع محدودی که
منتخب و مورد اعتماد شما باشند،
این کار را کرد. این افراد را
انتخاب کنید. ما هم در خدمت
شما خواهیم بود.

نطقه شورای منتخب
متخصصین در همین دیدار وزیر
علوم بسته شد. از همین جا بود که
دانشجویان به فکر انتخاب شورای
متخصصین افتادند و جمعی را از
دانشگاه های مختلف انتخاب
کردند و مسئولیت از شانه دفتر
تحکیم وحدت برداشته شد.

معین صمیمانه تر از آن سخن
گفت که دانشجویان بشوانند
نادیده اش بگیرند: «بند قول
می دهم تا راس هرم مدیریت نظام،
مسائل را همراه شما پیگیری کنم.
سعی کنیم از آنچه گرد ما پدید
آمده حداکثر استفاده را ببریم.
اجازه ندهیم از قاجعه ای که بر ما
تحمیل شده، فاجعه های دیگری بر

تضعیف نکنند. بحث با
میانجی گیری دیگران پایان
می گیرد. در حالی که سخنرانی ها
در محوطه کوی در کمال آرامش
ادامه دارد.

حدود ساعت ۷ بعداز
ظهر حجت الاسلام هادی خامنه ای
به همراه حجت الاسلام محتشمی
در جمع متخصصین حاضر
می شوند. آخرین فرد مسئولی که
در خوابگاه حضور می یابد دکتر
معین است که مانند دانشجویان با
دانشجویان می نشیند.

او با دانشجویان به صحبتی
خودمانی پرداخت، با آنان به زبان
خود آنان سخن گفت. «این وضع
برای من به عنوان یک مجری قابل
تحمل نیست. این حادثه برای من
هم یک نقطه عطف است تا مسائل
و شرایط را مجدداً مطرح کنم.
اگر توجهی شد که دوباره در
خدمتتان خواهم بود، در غیر این
صورت معذور هستم. نه برای این
که از مسئولیت فرار کنم بلکه به
عنوان فردی که احساس مسئولیت
می کند و مجموعه شرایط را در
نظر می گیرد و اگر ببیند شرایط
غیرمنطقی است، زیر بار نمی رود.
بنده به تک تک شما افتخار
می کنم. به صداقت و شجاعت
شما افتخار می کنم و از شما
کمک می خواهم تا در یک



خیابان کارگر - صحنه ای از رویارویی پلیس ضد شورش و تظاهرکنندگان

و جایگاه برای سخنرانی آماده
می گردد. در بیرون بحث و جدل
همچنان در دسته های کوچک
ادامه می یابد. جوانی به یکی از
دانشجویان که با یک پارچه سه
گوش مشکی صورتش را پنهان
کرده نزدیک می شود و پیرامون
ادامه تحصن یا راهپیمایی بحث
در می گیرد. با بالا گرفتن این
گفتگو چند نفر دیگر به جمع
می پیوندند. بحث ها تندتر
می شود. دانشجویان از جوان
می خواهند به سه شبانه روز
بی خوابی و بی غذایی متخصصین و
شکستگی روحیه و اعصاب آنها
توجه داشته باشد و روحیه آنها را

سوی مقر ریاست جمهوری را
طالبند، عده ای صدا و سیما و تنی
چند نیز راهپیمایی به سمت میدان
آزادی را پیشنهاد می کنند تا به
تماشاچیان مسابقه تیم های فوتبالی
پیروزی و استغلال ملحق شوند. و
در این کش و قوس به در بزرگ
کوی هجوم می آورند. در به
یکباره بر اثر فشار باز می شود و
جمعیت به خیابان می ریزد. اما
پس از طی مسافت کوتاهی، به
توصیه برخی دانشجویان به کوی
باز می گردد و آرامش نسبی برقرار
می شود.

با کنترل جمعیت به تدریج
دانشجویان روی زمین می نشینند